



جهت ارتباط با ادیتور {نظر}

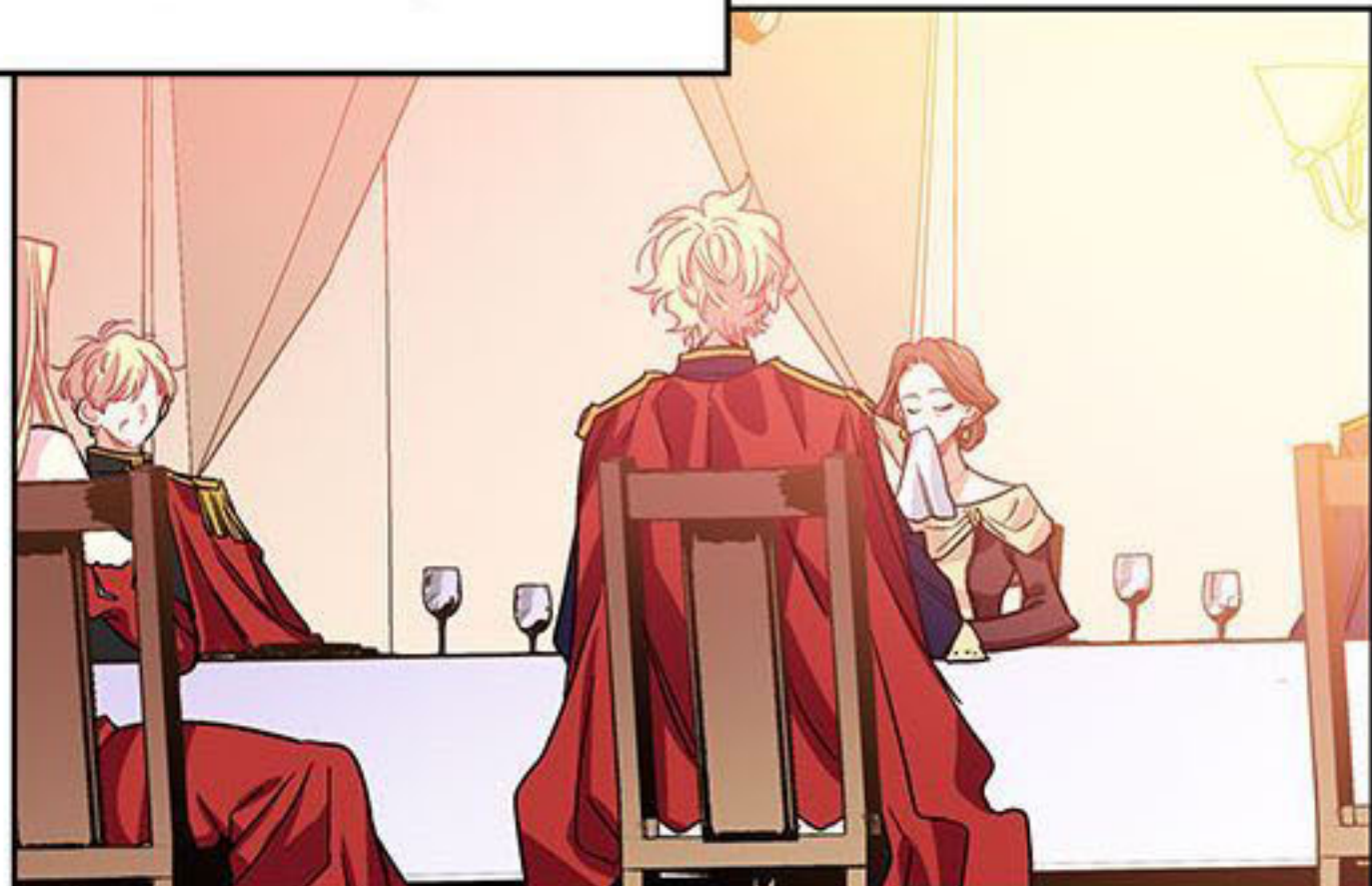
@dorsa_dyn





4

همان شب، در مین شام



تولدش جولایه، پس فقط
دوماه دیگه مونده.





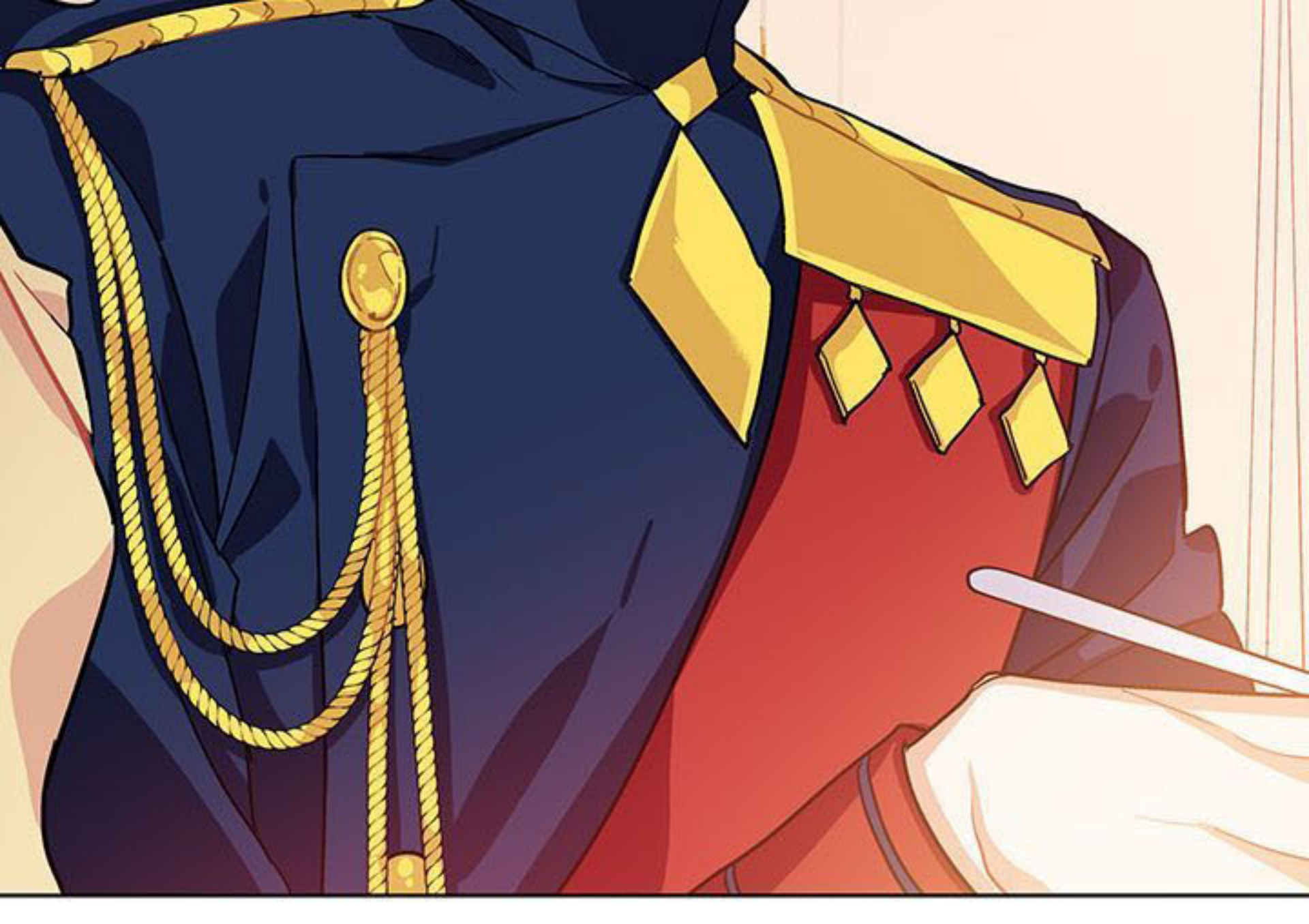


چه نامادریه به فکری:)









لنی منظورت چیه؟
تو مخالف نامزدیه
الیزه با پرنسی؟



بزارین صادقانه ازتون
یه سوال بپرسم. فکر میکنید
اون بدرد این میخوره که
با پرنس سلطنتی باشه؟

نه...



الیزه رو به عنوان کسی که شایسته
نقش ملکه باشه میبینی؟ نقشی
که حتما باید به عنوان مادر
تمام چیزها در فرمانروایی
عمل کنه؟



تو...!! تو داری سعی
میکنی چی بگی!!؟



به عنوان یک شهروند فروتن،
نمیتونم در برابر خواسته های امپراتور
بحث کنم.

اگرچه، من مطمئن نیستم که اون بچه ی
خودخواه لایق ملکه شدن باشه.

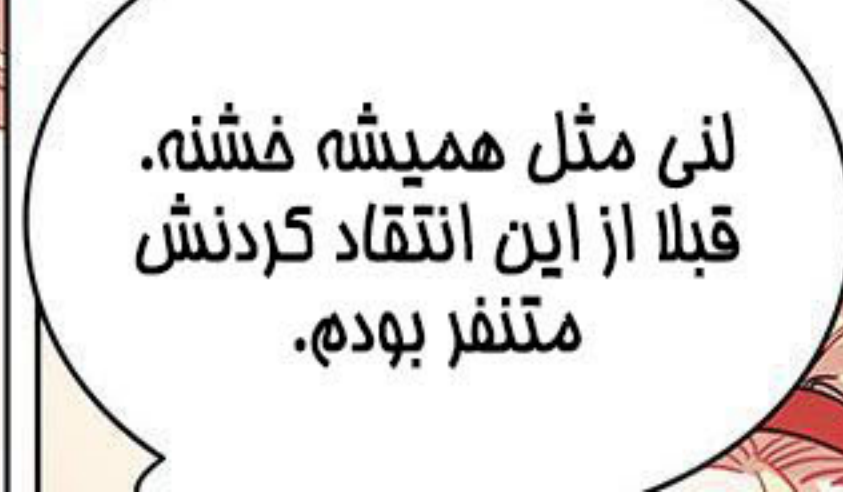
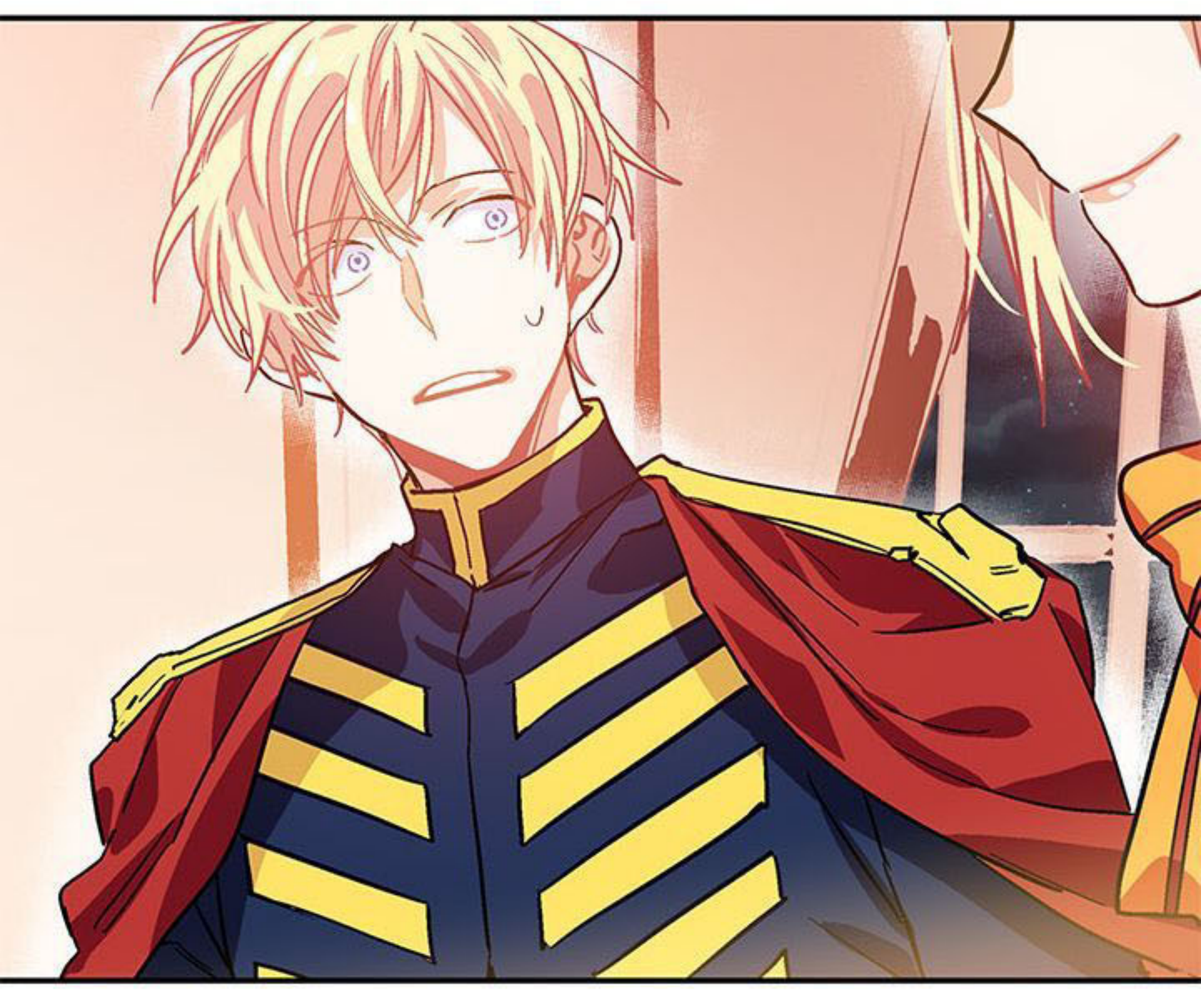


واقعا برادر؟ بعد از یه ماه که
گذشته تازه اومدی خونه،
حالا باز شروع کردی؟



تو همیشه با الیزه فیلی ظالمانه
(فتار) میکنی.

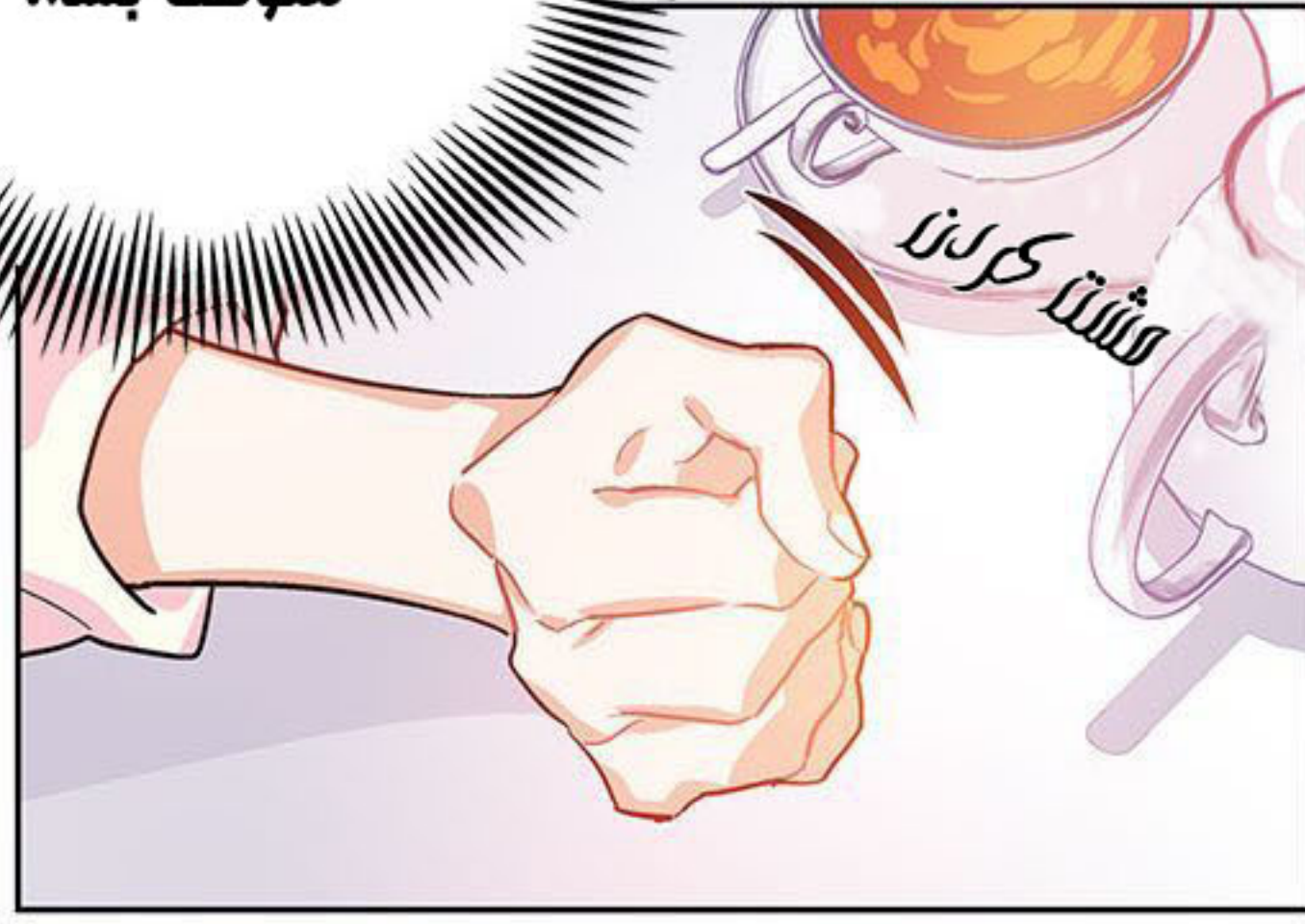
قطعا بعد از اینکه
الیزه اینو بشنوه





ولی، اون درست میگه. من بدرد
ملکه بودن نمیخورم.

نامزدی باید به هر قیمتی
متوقف بشه.

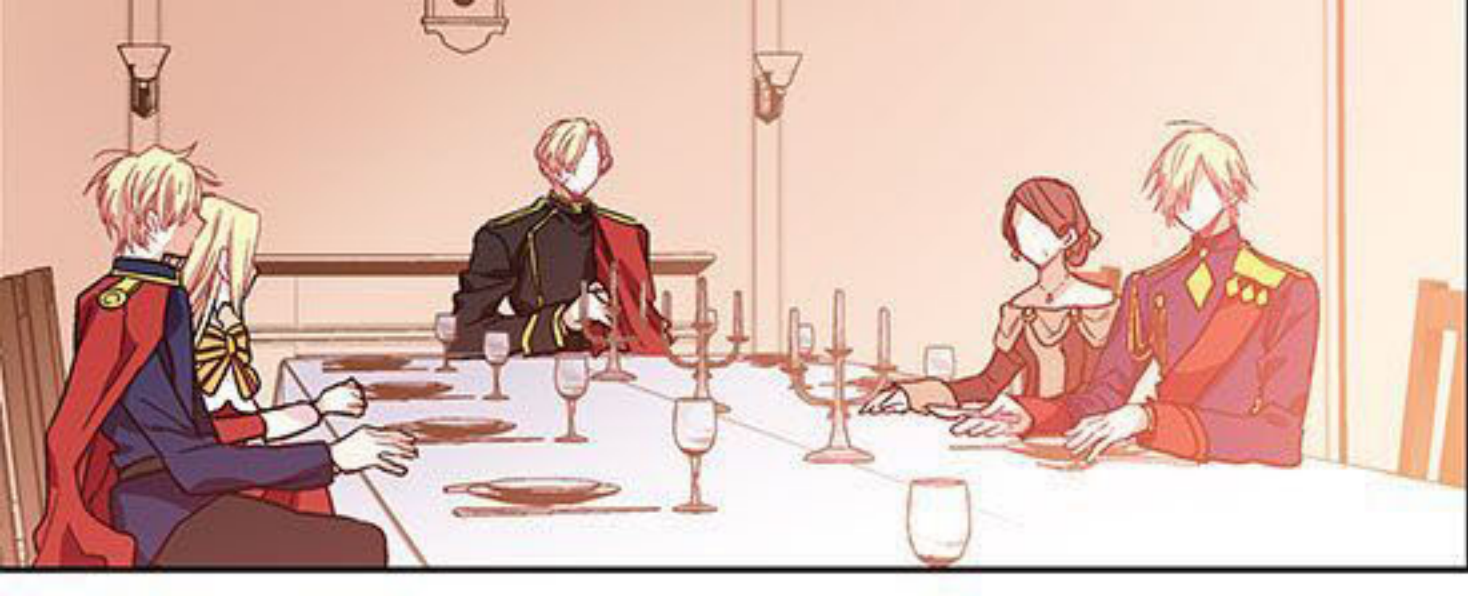


وقتی بهش فکر میکنم، پرنس
هم قربانیه نامزدی بود.

من به خاطر همه اشتباهاتی که
مرتکب شده بودم مجازات شدم.
ولی اون مجبور بود همچین مشکلی رو
تحمّل کنه درحالی که به اختیار خودش نبود



باید این نامزدیو متوقف
کنم و ایندفعه من به عنوان
یه پزشک زندگی میکنم بدون
هیچ مسئولیتی نسبت به
فانواده سلطنتی.



مثل این میمونه که بگیم خورشید
از غرب طلوع کرده.

لنی!!

دلم نمیخواد و قتم رو تلف کنم.
باید به پایگاه شوالیه ها برگردم.

فکر نکنم اگه خودشم
با پشای خودش میدید
مرفمو باور میکرد.

اون همیشه اولین نفریه
که شک میکنه.

تازگی ها سرت شلوغ بوده
دوباره کی برمیگردی؟

نمیدونم. سرم برای یه مدت
شلوغه.

این دفعه شوالیه های تفنگدار از لشکر
بیرون شدن درسته؟



حالا، دسته دوم مسئول
لشکر میشن.



ولی اگه جمهوریہ فرانکونی
تصمیم بگیره که متحد بشه،
شوالیه های تفنگدار سلطنتی
باید اعزام بشن.



پس یه شانس هست
که تو هم بری؟



البته، جمهوری به راحتی
بیخیال یک شورش در
دریای سیاه نمیشه.

* جمهوری فرانکونی جنوب شرق آلمان



کریس تو باید خوب
انجامش بدی.

چی رو؟



همه چیز، از همه مراقبت کن
و باعث خجالت اسم پدر نشو.

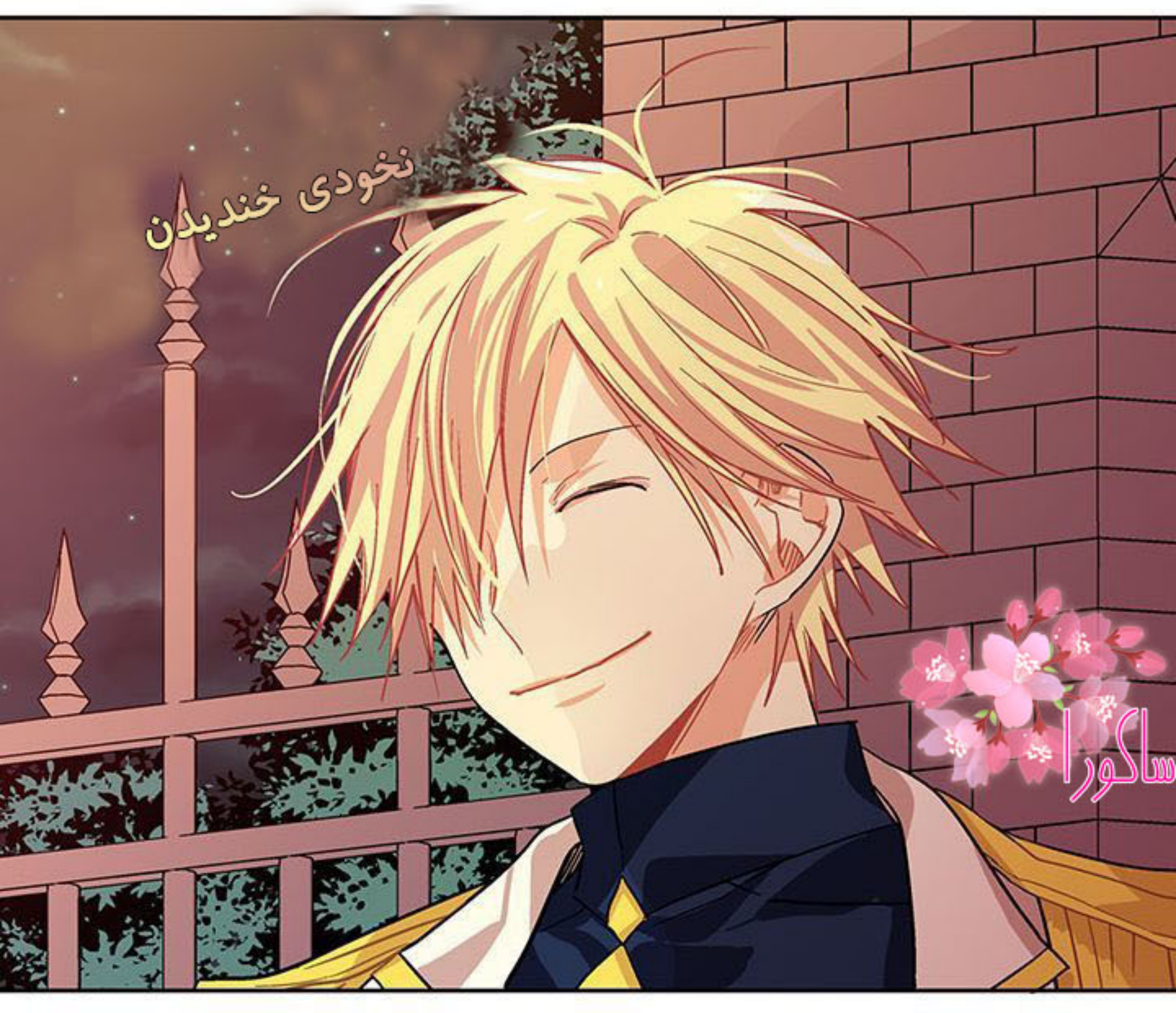


لازم نیست بهم یادآوری
کنی...

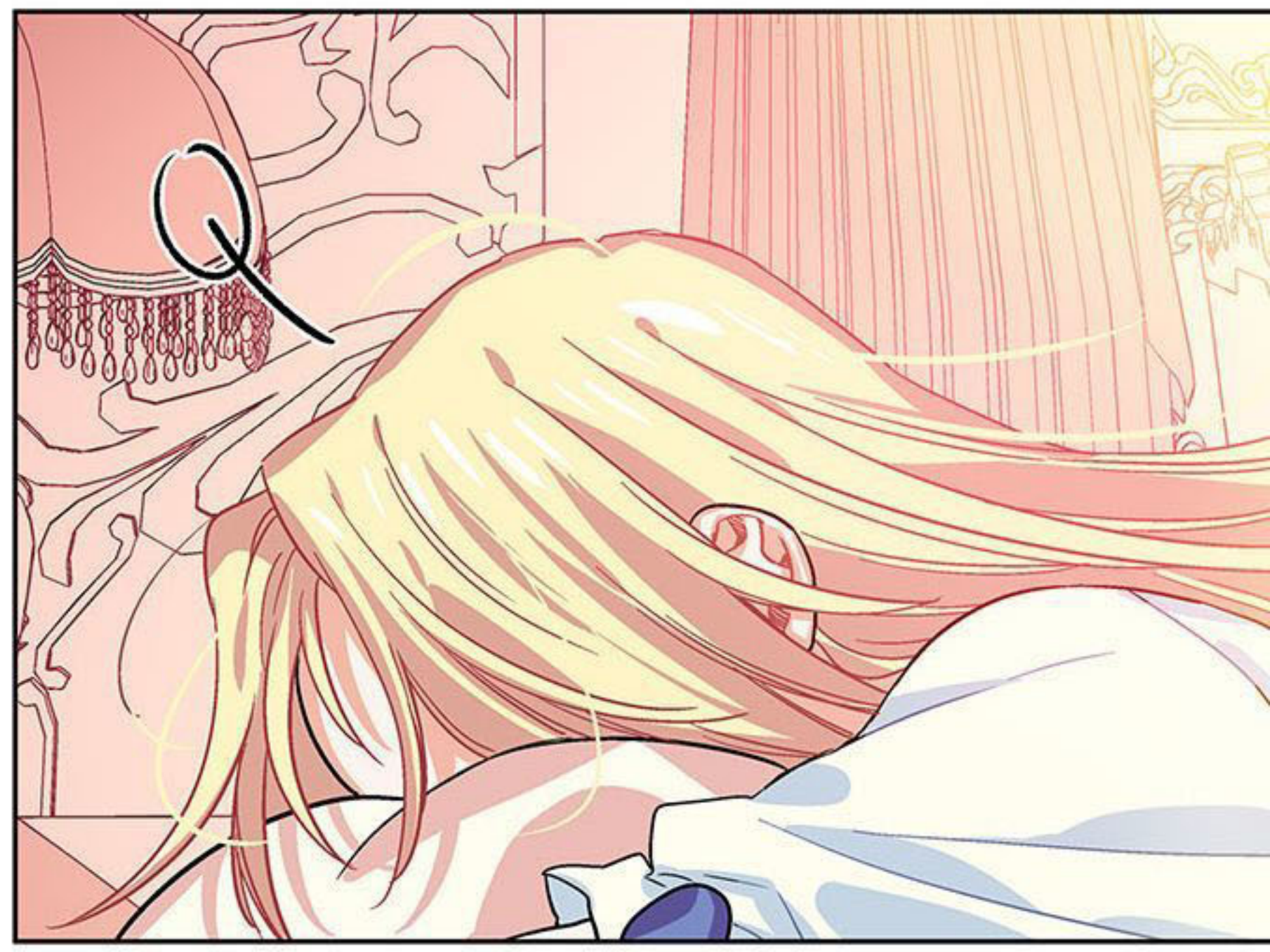




تو کسی هستی که باید مراقب
باشه گلوله ها کورن، میدونی دیگه.



خیلی خب، دفعه ی بعد میبینمت.



پیکار کنه؟ تقریبا
دوماه دیگه تا نامزدی
مونده



و این نامزدی به خاطر
این اتفاق میوفته چون من
یکسال پیش عاشق پرنس شدم.
کلی غر زدم.



حالا نمیتونم بگم نمیخوامش.
بعلاوه این نامزدی با پرنسه.

وقتی اعلام بشه،
متی خانواده ی سلطنتی
بفاطر ترس از دست دادن
افتخارشون عقب
نمیکشن.



بانو، براتون یکم چای
اوردم.

اوه، ممنون میتونی بزاریش
اونجا









مترجم: Mira و Anora

کلینر: Ati-chan

تایپست: Anora

کاری از @sakura-team